

تجمیع محکومیت‌ها برطبق معیار سلیبسی در حقوق بین‌الملل کیفری و بررسی رویه قضایی اخیر محاکم بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا

هادی آذری^۱

چکیده

تجمیع محکومیت‌ها زمانی مطرح می‌شود که عملی واحد، اوصاف حقوقی متعددی به خود بگیرد. در این حالت، متهم به‌خاطر عملی واحد که می‌تواند واجد عناوین کیفری متعدد گردد محاکمه می‌شود. در حقوق بین‌الملل کیفری، برخی اعمال تنها می‌توانند واجد وصف ژنوسید گردند، مانند اقداماتی که به‌منظور ممانعت از زاد و ولد در گروه قربانی صورت می‌پذیرند. برخی اعمال، مانند اقدام به تخریب اموال غیرنظامی جایی که ضرورت نظامی چنین اقدامی را توجیه نمی‌کند، نیز تنها می‌توانند واجد وصف جنایت جنگی شوند. با این حال، به‌دلیل دامنه وسیع تعاریف ارائه شده از برخی جنایات بین‌المللی، اعمالی همچون قتل، تجاوز جنسی یا شکنجه می‌توانند همزمان در چارچوب تعاریف جنایات بین‌المللی متعدد قرار گیرند.

واژگان کلیدی: تجمیع محکومیت‌ها، معیار سلیبسی، حقوق بین‌الملل کیفری، محاکم ویژه، اصل خاص بودن متقابل، ارکان تشکیل‌دهنده متفاوت، اعمال قانون اخص

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل در دانشگاه پاریس دو. اصل این مقاله به زبان فرانسه و با مشخصات زیر به چاپ رسیده است.

Hadi Azari, « Le critère Celebici du cumul des déclarations de culpabilité en droit pénal international », Revue de la science criminelle et du droit pénal comparé, Janvier/ Mars 2007, p. 1-22.

مقدمه

تجمع محکومیت‌ها زمانی مطرح می‌شود که عملی واحد اوصاف حقوقی متعددی به خود بگیرد. در این حالت متهم به‌خاطر عملی واحد که می‌تواند واجد عناوین کیفری متعدد شود، مورد محاکمه قرار می‌گیرد. در حقوق بین‌الملل کیفری، برخی اعمال تنها می‌توانند واجد وصف ژنوسید گردند، مانند اقداماتی که به‌منظور ممانعت از زاد و ولد در گروه قربانی صورت می‌پذیرند. برخی اعمال نیز تنها می‌توانند واجد وصف جنایت جنگی شوند، مانند اقدام به تخریب اموال غیرنظامی بدون آن که ضرورت نظامی چنین اقدامی را ایجاب کند. با این حال، به دلیل دامنه وسیع تعاریف ارائه شده از برخی جنایات بین‌المللی، اعمالی همچون قتل، تجاوز جنسی یا شکنجه می‌توانند همزمان در چارچوب تعاریف جنایات بین‌المللی متعددی قرار گیرند. برای مثال قتل افراد غیرنظامی به‌صورت گسترده و سازمان یافته در خلال یک درگیری مسلحانه می‌تواند همزمان جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی توصیف گردد. اگر همین عمل به قصد نابودی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی که قربانی عضوی آن است صورت گرفته باشد وصف ژنوسید نیز بدان قابل اطلاق خواهد بود. همین وضعیت در چارچوب تعریف یکی از جنایات‌های بین‌المللی نیز قابل تصور است. برای مثال تجاوز به عنف هنگامی که به‌صورت گسترده و سازمان یافته صورت پذیرفته باشد می‌تواند تحت عناوین تجاوز جنسی و شکنجه، طبق شرایطی که خواهد آمد، و هر دو به‌عنوان جنایات علیه بشریت مورد موأخذه قرار گیرند.^۲ در چنین شرایطی اصل تجمع محکومیت‌های کیفری اعمال می‌شود. این رویکرد که توسط محاکم بین‌المللی کیفری ویژه اتخاذ گردیده با این قاعده لاتین تطابق دارد که «در صورت تعدد مواد قانونی قابل اعمال به عملی واحد، به تعداد وصف‌های کیفری ممکن، محکومیت کیفری صادر می‌شود».^۳

قبل از صدور رأی سلیبسیسی^۴ از دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، معیارهای متفاوتی توسط شعبه‌های مختلف محاکم ویژه برای اجرای این قاعده به کار گرفته می‌شد.^۵ در

۲. این موضوع که در حقوق بین‌الملل کیفری یک رفتار مجرمانه می‌تواند عناوین مجرمانه متعدد به خود بگیرد توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز به نوعی مورد تأیید قرار گرفته است. این کمیسیون در تفسیر خود بر ماده ۱۷ «طرح جنایت علیه صلح و امنیت بشری» آورده است: «انتقال اجباری کودکان می‌تواند یک جنایت علیه بشریت برطبق بند «د» ماده ۱۸ یا یک جنایت جنگی برطبق بند «الف» (۴) از ماده ۲۰ تلقی گردد. همچنین انتقال اجباری اعضای یک گروه، هنگامی که به جدایی اعضای یک خانواده از همدیگر منجر شود می‌تواند برطبق بند «ج» ماده ۱۷ به‌عنوان ژنوسید توصیف شود.

Projet de code des crimes contre la paix et la sécurité de l'Humanité, 51e Session, Supplément, n° 10 (A/51/10) 6 mai-26 juillet 1996, p. 11.

3. tot delicta quod lege lesae

4. Celebici

۵. ر.ک:

Carl-Friedrich Stuckenberg, "Multiplicity of Offences: Concursus Delictorum", in H. Fischer, C. Kress and S.R. Luder (eds), International and National Prosecution of Crime under International Law, Current

قضیه آکایسو^۶، دادگاه بدوی دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا تحت تأثیر رویکرد فرانسوی تعدد معنوی (یا اعتباری) جرم به این نتیجه رسید که برای محکوم کردن متهم به ارتکاب دو جرم به‌خاطر رفتاری واحد شرایط زیر باید محقق شود: ۱) جرم انتسابی از ارکان تشکیل‌دهنده متفاوتی برخوردار باشد ۲) مواد قانونی مرتبط، منافع (اجتماعی) متفاوتی را مورد حمایت قرار دهند؛ ۳) محکومیت متهم به ارتکاب دو جرم برای قضاوت کامل رفتار متهم ضروری باشد.^۷ شعبه بدوی دیگری از همین دادگاه، در رأی کایشما و رزیندانا معیارهای اول و دوم به کار گرفته شده در رأی آکایسو را مورد تأیید قرار داد، اما سومین را رد کرد. این شعبه اعلام کرد که «نمی‌توان متهم را به‌خاطر رفتاری واحد به ارتکاب جرائم متفاوت محکوم کرد مگر: ۱) وقتی ارکان تشکیل‌دهنده جرایم مرتبط، از همدیگر متفاوت باشند؛ ۲) منافی که جامعه از طریق مواد قانونی قابل اعمال در صدد حمایت از آن‌ها است متفاوت باشند».^۸

نزد دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق نیز قضیه به همین ترتیب بود. شعبه بدوی در رأی کوپرسکی^۹ به معیار بلوک برگر اشاره کرد. این معیار ابتدا در رأی اصراری موری علیه کامنولز^{۱۰} از دیوان عالی ماساچوست اعلام گردید و در رویه قضایی دادگاه‌های ایالات متحده و به‌ویژه در رأی بلوک برگر علیه ایالات متحده^{۱۱} مورد تأیید قرار گرفت. برطبق این معیار، هنگامی که یک رفتار دو ماده قانونی را نقض می‌کند، برای تصمیم‌گیری راجع به اینکه آیا دو جرم ارتکاب یافته یا یک جرم، باید دید آیا هرکدام از مواد قانونی مرتبط، اثبات واقعیتی را لازم می‌داند که آن دیگری لازم نمی‌داند؟ محقق نشدن این شرط بدان معنا است که یکی از جرائم در دیگری کاملاً ادغام می‌شود.^{۱۲}

رأی سلیبسی توسط شعبه استیناف (۲۰۰۱) پایانی بر اتخاذ رویکردهای متفاوت توسط شعب مختلف محاکم ادهک بود. در این رأی، شعبه استیناف راه‌حلی را ارائه کرد که در آرای بعدی نیز

Developments (Berlin: Berlin Verlag Arno Spitz, 2000), pp. 559-603; Nisha Valabhji, "Cumulative Convictions Based on the Same Acts Under the Statute of the ICTY", *Tulane Journal of International and Comparative Law*, Vol. 10, 2002, pp. 185-202; Atila Bougdan, "Cumulative Charges, Convictions and Sentencing at the ad hoc International Tribunal for Former Yugoslavia and Rwanda", *Melbourne Journal of International Law*, 2002, vol. 3, pp. 1-32.

6. Akayesu

7. *Le Procureur c/ Jean-Paul Akayesu*, chambre de première instance, 2 sept. 1998, n° 96-46-T, § 468.

8. *Le Procureur c/ Clement Kayishema et Obede Ruzindana*, chambre de première instance, 12 mai 1999, n° 95-1, § 627.

9. Kupreskic

10. 1981 *Morey v. the commonwealth*.

11. *Blockberger v. United States of America* 1932.

12. *Le Procureur c/ Kupreskic et consorts*, chambre de première instance, 14 janv. 2000, § 681-683.

مورد تأیید قرار گرفت.^{۱۳} راجع به این مسأله که در چه مواردی می‌توان به‌خاطر رفتاری واحد و بر مبنای مواد قانونی متعدد، رأی به محکومیت‌های متعدد متهم داد، این شعبه اعلام می‌دارد: «بعد از بررسی رویکردهای متفاوت اتخاذی توسط این دادگاه و دادگاه‌های نظام‌های حقوقی متفاوت، و نظر به رعایت اصل انصاف نسبت به متهم و این که تنها جرائم متفاوت می‌توانند تجمیع محکومیت‌ها را توجیه کنند، شعبه استیناف قائل به آن است که چنین تجمعی به‌خاطر یک رفتار و بر مبنای مواد قانونی اساسنامه (دادگاه)، ممکن نیست، مگر آن که هر یک از مواد قانونی مرتبط دارای رکن (یا عنصر) کاملاً متفاوت باشند که دیگری فاقد آن است. یک رکن زمانی کاملاً متفاوت است که اثبات واقعیتی را لازم بداند که آن دیگری لازم نداند. هنگامی که این شرط محقق نشود، دادگاه باید تصمیم بگیرد که بر مبنای کدام یک از مواد قانونی مرتبط حکم به مجرمیت متهم صادر کند. در این صورت دادگاه باید رأی خود را بر مبنای قاعده خاص‌تر صادر کند. بنابراین، اگر مجموعه‌ای از رفتارها توسط دو ماده قانونی ممنوع شده باشند که تنها یکی از آن‌ها دارای رکن کاملاً متفاوت باشد، دادگاه فقط بر مبنای این ماده رأی به مجرمیت خواهد داد».^{۱۴}

بنابراین، شعبه استیناف، از معیارهای پیش‌گفته، تنها معیار «رکن تشکیل‌دهنده متفاوت» را مورد ملاحظه و تأیید قرار می‌دهد و سایر معیارها از جمله «حمایت از ارزش‌های اجتماعی متفاوت» را کنار می‌نهد.

در این نوشتار، نخست محتوا و نحوه کاربست معیار ارائه شده توسط شعبه استیناف را مورد بررسی قرار می‌دهیم و آنگاه به بررسی نقش و ماهیت آن می‌پردازیم.

بخش اول) تحلیل ساختاری معیار سلیبسی با توجه به رویه قضایی محاکم ویژه

راه‌حل ارائه شده توسط شعبه استیناف محاکم ویژه که بر رأی بلوک برگر مبتنی است، از دو بخش تشکیل می‌شود. بخش اول زمانی اجرا می‌گردد که هر کدام از مواد قانونی قابل اعمال نسبت به یکدیگر خاص هستند (خاص بودن متقابل). در این صورت، اصل تجمیع

13. Le procureur c/ Goran Jelisic, chambre d'appel, 5 juill. 2001, n° IT-95-10, § 82; Le procureur c/ Kupreskic et consorts, chambre d'appel, 23 oct. 2001, n° IT-95-16-A, § 387; Le procureur c/ Kunarac et consorts, chambre d'appel, 12 juin 2002, n° IT-96-23&23/1, § 176; Le procureur c/ Stanislav Galic, chambre de première instance, 5 déc. 2003, n° IT-98-29, § 156; Le procureur c/ Radislav Krstic, chambre d'appel, 19 avr. 2004, n° IT-98-33-A, § 218; Le procureur c/ Mitar Vasiljevic, chambre d'appel, 25 févr. 2004, n° IT-98-32-A, § 145-146; Le Procureur c/ Dario Kordic et Mario Cerkez, 17 déc. 2004, n° IT-95-14/2-A, § 1033; Le procureur c/ Milomir Stakic, chambre d'appel, 22 mars 2006, n° IT-97-24-A, § 355.

14. Le Procureur c/ Delalic et consorts, chambre d'appel, 20 févr. 2001, n° IT-96-21-A, § 412-413.

محکومیت‌های کیفری اعمال می‌شود. بخش دوم، مربوط به حالتی است که در آن تنها یکی از مواد قانونی قابل اعمال نسبت به دیگری خاص است (خاص بودن یک‌طرفه). این حالت به اعمال اصل ادغام یکی از جرائم در دیگری منجر خواهد شد.

فصل اول) اصل خاص بودن متقابل یا ضرورت وجود یک «رکن کاملاً متفاوت» در هریک از مواد قانونی قابل اعمال ۱. محتوای اصل خاص بودن متقابل

در اعمال این اصل باید نخست احراز شود که هرکدام از مواد متعارض (مواد قانونی قابل اعمال بر عملی واحد) یک رکن کاملاً متفاوت دارد که دیگری فاقد آن است. به عبارت دیگر، برای تعیین قابلیت تجمیع دو عنوان کیفری «الف» و «ب» قبل از هر چیز باید بدانیم آیا در میان ارکان تشکیل‌دهنده هرکدام از این جرائم عنصر یا رکن تشکیل‌دهنده‌ای هست که در دیگری نباشد. برای مثل اگر جرم «الف» متشکل از ارکان ۱، ۲ و ۳ و جرم «ب» متشکل از ارکان ۱، ۲ و ۴ باشد، چون جرم «الف» فاقد رکن ۴ و جرم «ب» فاقد رکن ۳ است، آنگاه، در صورت جمع شدن سایر شرایطی که خواهد آمد، به تجمیع محکومیت‌ها مبادرت می‌کنیم. بدین‌منظور یک بررسی تطبیقی در سطح ارکان تشکیل‌دهنده هریک از مواد قانونی قابل اعمال بر یک عمل واحد باید انجام پذیرد. برطبق رویه قضایی محاکم ویژه، این بررسی تطبیقی تنها در سطح تعاریف ارائه شده در اساسنامه‌های محاکم مذکور صورت خواهد گرفت.^{۱۵} گفتنی است که بیش‌ترین اعتراض‌ها از جانب متهمین و وکلای آن‌ها به اعمال معیار سلیبسیسی راجع به این موضوع بود که محکومیت‌های متعدد مبتنی بر فعل یا ترک فعل واحدی بوده و با ادله و اسناد مشابهی به اثبات می‌رسند.^{۱۶} در پاسخ، دادگاه یوگسلاوی در رأی کوناراک^{۱۷} این‌گونه استدلال کرد: که «این‌که آیا یک رفتار، دو ماده از اساسنامه را نقص کرده یا نه، مسأله مرتبط به عنصر قانونی جرم است. در نتیجه، آنچه اتفاق افتاده در رسیدن به این نتیجه که آیا یک جرم واقع شده یا بیش‌تر

۱۵. تأکید بر این موضوع از این نظر مهم است که بجز مورد ژنوسید، سایر جرائم بین‌المللی، موضوع تعاریف مختلفی در اسناد بین‌المللی بوده‌اند. برای مثال اساسنامه دادگاه نورمبرگ، دیوان بین‌المللی کیفری و ... هرکدام تعریف خاصی از جنایت علیه بشریت ارائه کرده‌اند. رجوع کنید به:

Y. Dinstein, « The Evolution of Crime Against Humanity », in S. Perraski (ed), International Criminal Court : A New Dimension in International Justice, 2002, pp. 73-92.

۱۶. به همین دلیل شعبه بدوی دیوان رواندا در رأی کایشما وزریندانا اعلام کرد که چون تمام ارکان، از جمله رکن ذهنی لازم برای تحقق جنایت ژنوسید، اخراج (extermination) و قتل، همین‌طور ادله اثبات ارائه شده برای اثبات ارتکاب این جرائم یکی هستند، پس تجمیع اتهام‌ها از لحاظ حقوقی، نه توجیه‌پذیر است، نه قابل قبول. رجوع کنید به:

Kayishema et Ruzindana, supra note 5, § 645, 646 et 650.

17. Kunarac

تأثیری ندارد».^{۱۸} آنچه مهم است تفاوت در ارکان تشکیل‌دهنده مواد قانونی متعارض است. پس باید تفاوت میان ارکان تشکیل‌دهنده جرم و ادله اثباتی که وقوع این جرائم را به اثبات می‌رسانند مورد توجه قرار گیرد.^{۱۹} به همین دلیل، شعبه استیناف در رأی کوردیچ^{۲۰} یک بار دیگر تأکید کرد که «در اعمال اصل سلیبسی چیزی که باید مورد توجه قرار گیرد عنصر قانونی جرم است، نه فعل یا ترک فعلی که عنوان مجرمانه به خود گرفته است، آنچه اهمیت دارد جنبه حقوقی جرم است».^{۲۱} بدین دلیل، همین شعبه رویکرد اتخاذی در قضیه کرسٹیچ^{۲۲} راجع به تجمیع جنایت قتل با جنایت آزار و اذیت^{۲۳} را اعمال ناصحیح راه‌حل سلیبسی تلقی کرده و اضافه می‌کند که «در قضیه سلیبسی شعبه استیناف رهیافتی را که رفتار واقعی متهم را به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در اعلام محکومیت‌های متعدد مؤثر می‌دانست، صراحتاً رد کرد، بلکه باید از لحاظ حقوقی مورد توجه قرار گیرد ارکان هر یک از جرائمی است که در اساسنامه آمده و مرتبط با اقدامی است که متهم به‌خاطر آن محکوم شده است».^{۲۴}

راجع به تعریفی که در چارچوب این تحلیل باید مورد ملاحظه قرار گیرد، شعبه استیناف در رأی کوناراک علاوه بر «تعاریف جرائم مذکور در اساسنامه که در رویه توسعه یافته»، همچنین به «شرایط حقوقی مذکور در عناوین مواد اساسنامه، یعنی شرایطی که وضعیت خاص هر جرم را تبیین می‌کنند» اشاره کرد.^{۲۵} این شعبه اضافه می‌کند که در پروژه عناصر جرم که توسط کمیسیون مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری تهیه شده است، عناوین جرائم بخشی از تعریف ماهوی آنها قلمداد شده‌اند و به علاوه تعاریف ارائه شده در اساسنامه دیوان بازگویی حقوق بین‌الملل عرفی هستند.^{۲۶} برطبق نظر شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی در رأی استاکیچ،^{۲۷} شرایط حقوقی مذکور در عنوان مواد قانونی مرتبط عبارت است از شرایط بازگوکننده اوضاع و احوالی که در آن‌ها جرائم ارتکاب یافته‌اند.^{۲۸} به عبارت دیگر، شرایط حقوقی مذکور در عنوان مواد قانونی، آن‌هایی هستند که ارتکاب جنایت مورد نظر به تحقق آن‌ها منوط شده است. برای مثال، وجود

18. Kunarac, supra note 7, § 174.

19. Opinion partiellement dissidente du juge Shahabudeen jointe à l'arrêt Krstic, § 90.

20. Kordic

21. Le Procureur c/ Dario Kordic et Mario Cerkez, 17 déc. 2004, n° IT-95-14/2-A, § 1033

22. Krstic

23. Persecution

24. Ibid. § 1040.

25. Arrêt Kunarac, supra note 7, § 176-177.

26. Arrêt Kunarac, supra note 12, p. 239.

27. Stakic

28. Le procureur c/ Milomir Stakic, chambre de première instance, 31 juill. 2003, n° IT-97-24-T, § 869, Chambre d'appel, 22 mars 2006, n° IT-97-24-A, § 356.

یک حمله گسترده و سازمان یافته و هدایت آن به سمت جمعیت غیرنظامی از شرایط حقوقی تحقق جنایت علیه بشریت هستند.

چنین رویکردی با مخالفت شدید قاضی «بنونا»^{۲۹} و «هانت»^{۳۰} مواجه گردید. آن‌ها در نظر جداگانه و مخالف خود در رأی سلیبسی، درحالی که خود را با اصل راه‌حل ارائه شده موافق می‌خوانند با نحوه اعمال آن سخت مخالفت می‌ورزند. از نظر آنان این رهیافت عناصری از تعریف جرائم را مورد توجه قرار می‌دهد که با رفتار متهم ارتباطی ندارند. آنان بر این باورند که «در نظر گرفتن شرایط حقوقی‌ای که ارتباطی با رفتار متهم ندارند امر بی‌فایده‌ای است و اعمال راه‌حل سلیبسی باید مبتنی بر توجه به رفتار متهم، به‌ویژه قصد وی در ارتکاب جرم باشد».^{۳۱} در عوض، قاضی شهاب‌الدین^{۳۲} در نظر تقریباً مخالف خود در رأی جلی سیک^{۳۳} این سؤال را مطرح می‌کند که «چگونه ممکن است یک عنصر پذیرفته شده جرم با رفتار متهم بی‌ارتباط باشد».^{۳۴} از نظر وی «نمی‌توانیم یک جرم را مستقل از ارکان تشکیل‌دهنده آن تصور کنیم. یک جرم متشکل از ارکان آن است و همان‌ها که جرم را تعریف می‌کنند ... هر کدام از این ارکان برای تعیین وصف مجرمانه رفتار متهم مهم هستند. نمی‌توانیم به راحتی یک جرم را به چند عنصر تقسیم کنیم و بگوییم که برخی از آن‌ها با رفتار متهم مرتبط هستند و برخی دیگر نیستند ... یک عنصر از آن لحاظ که توسط قانونگذار به‌عنوان عنصر تشکیل‌دهنده جرم شناسایی شده، باید توسط دادگاهی که به بررسی تطبیقی جرائم برای تعیین قابلیت تجمیع محکومیت‌های کیفری می‌پردازد، مورد ملاحظه قرار گیرد».^{۳۵} رویه قضایی بعدی محاکم ویژه، همان‌طور که قاضی شهاب‌الدین خواسته بود، نظر اکثریت را دنبال کرد، نه نظر قاضی بنونا و هانت.^{۳۶}

برطبق بخش دوم راه‌حل ارائه شده، هنگامی یک رکن تشکیل‌دهنده «کاملاً متفاوت» تلقی می‌شود که اثبات واقعیتی را لازم بداند که ارکان تشکیل‌دهنده جرم دیگر لازم ندانند. هدف از اعمال این معیار، تعیین و شناسایی «خاص بودن» هریک از جرائم نسبت به یکدیگر است. خاص بودن متقابل ایجاد می‌کند که یکی از ارکان مادی یا معنوی هریک از عناوین مجرمانه قابل اعمال بر یک رفتار برخلاف دیگری اثبات واقعیتی را ضروری بداند. بنابراین، اگر در تعارض بین دو جرم «الف» و «ب»، یکی از ارکان جرم «الف» اثبات واقعیت «X» را برخلاف جرم «ب»

29. Bennouna

30. Hunt

31. Opinions individuelles et dissidentes des juges Hunt et Banounna jointes à l'arrêt Celebici, § 26.

32. Shahabuddeen

33. Jelusic

34. Opinion partiellement dissidente du juge Shahabudeen jointe à l'arrêt Jelusic, § 35.

35. *Ibid*, § 41.

36. *Ibid*, § 45.

لازم بداند و یکی از ارکان جرم «ب» اثبات واقعیت «Y» را برخلاف جرم «الف» لازم بداند، تجمیع عناوین مجرمانه «الف» و «ب» ممکن خواهد بود.^{۳۷} به عبارت دیگر، که جرم «الف» اثبات واقعیتی را لازم می‌داند که جرم «ب» لازم نمی‌داند اولی را از دومی «کاملاً متفاوت» می‌کند و برعکس.

۲. اعمال معیار خاص بودن متقابل

اعمال این معیار در دو سطح امکان‌پذیر است. نخست در سطح تعارض بین جرائم صرفاً بین‌المللی؛ یعنی ژنوسید، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی. دوم در سطح تعارض بین جرائم اولیه (یا معمولی)؛ یعنی شکنجه، قتل، تجاوز جنسی و ... مذکور در تعریف جرائم بین‌المللی. راجع به مورد اول، رویه قضایی محاکم ویژه، تجمیع عناوین مجرمانه ژنوسید، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی را با یکدیگر، بدین خاطر که هرکدام از آنها اثبات واقعیتی را لازم می‌داند که دیگران لازم نمی‌دانند پذیرفته است. ژنوسید برخلاف جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی، اثبات «قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی» را لازم می‌داند، درحالی‌که جنایت علیه بشریت، برخلاف ژنوسید و جنایت جنگی، مستلزم ارتکاب در چارچوب یک حمله گسترده و سازمان‌یافته بر ضد جمعیت غیرنظامی است.^{۳۸} جنایت جنگی نیز برخلاف آن دو، مستلزم وجود رابطه مستقیم میان رفتار متهم و درگیری مسلحانه است.^{۳۹}

بدین ترتیب بعد از آن که رفتار مجرمانه یکی از عنوان‌های جرائم اولیه مندرج در اساسنامه‌های محاکم ویژه را به خود گرفت، هنوز لازم است که ارتکاب آن به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، یا در چارچوب یک حمله گسترده و سازمان‌یافته بر ضد جمعیت غیرنظامی و یا در حین یک درگیری نظامی به اثبات برسد تا واجد عناوین مجرمانه ژنوسید، جنایت علیه بشریت و یا جنایت جنگی گردد. بعد از آن برای این که اصل تجمیع بر این جرائم اعمال شود باید حداقل دو تا از ارکان مذکور با هم برخورد کنند. برای مثال به قتل رساندن یک شخص باید نخست عنوان جرم قتل^{۴۰} برطبق ماده ۳ (جنایت جنگی)، ماده ۵ بند

37. V. Nisha Valabhji, «Cumulative Convictions Based on the Same Acts Under the Statute of the ICTY», *supra note 3*, p. 194.

38. Le procureur c/ Alfred Musema, chambre d'appel, 16 nov. 2001, n° ICTR- 96-13-A, § 18, § 367; arrêt Kordic, *supra note 7*, § 1036; arrêt Vasiljevic, *supra note 7*, § 145.

39. Arrêt Jelusic, *supra note 7*, § 82.

۴۰. شعبه بدوی دیوان رواندا، در قضیه آکایسیو قتل را این‌گونه تعریف می‌کند: «پایان دادن عمدی و غیرقانونی به حیات یک انسان» شرایط لازم برای تحقق قتل عبارتند از: (۱) قربانی مرده باشد؛ (۲) مرگ از فعل یا ترک فعل غیرقانونی متهم یا زیر دست وی ناشی شده باشد؛ (۳) در لحظه ارتکاب قتل، متهم یا زیر دست وی قصد پایان دادن به حیات قربانی یا رساندن

«الف» (جنایت علیه بشریت) و ماده ۴ بند «الف» (جنایت ژنوسید) مندرج در اساسنامه دیوان یوگسلاوی را به خود بگیرد. در مرحله دوم لازم است قتل مذکور در چارچوب یک حمله گسترده و سازمان یافته بر ضد جمعیت غیرنظامی و در حین یک درگیری مسلحانه ارتکاب یافته باشد تا متهم همزمان به ارتکاب جرائم علیه بشریت و جنایت جنگی محکوم گردد. اگر همین قتل به قصد نابودی کلی یا جزئی گروهی ملی، نژادی، قومی یا مذهبی که مقتول عضوی از آن است نیز صورت پذیرفته باشد، علاوه بر دو جرم پیش گفته، اقدام صورت گرفته واجد وصف ژنوسید نیز گشته، متهم به ارتکاب سه جرم بین‌المللی محکوم می‌گردد.

همین قاعده به تعارض جرائم اولیه مذکور در بندهای مختلف یکی از جرائم بین‌المللی نیز به همین ترتیب اعمال می‌شود. پس لازم است برای تجمیع محکومیت‌های کیفری در چارچوب یک ماده از اساسنامه، هریک از بندهای قابل اعمال به عملی واحد دارای «رکن کاملاً متفاوت» باشد؛ یعنی برای مثال، هریک از جرائم اولیه پیش‌بینی شده در بندهای متفاوت جنایت علیه بشریت، مستلزم اثبات واقعیتی باشد که آن دیگری لازم نداند. به همین خاطر در رأی «کوردیچ»^{۴۱} شعبه استیناف با مجاز دانستن تجمیع محکومیت‌ها بر مبنای عملی واحد و برطبق بند «الف» (قتل) و بند «ه» (آزار و اذیت) از ماده ۵ (جنایت علیه بشریت) رأی داد که «تعریف آزار و اذیت دارای رکن مادی کاملاً متفاوتی است که در تعریف قتل برطبق ماده ۵ اساسنامه وجود ندارد؛ یعنی لزوم اثبات این واقعیت که فعل یا ترک فعل مجرمانه در عمل به صورت تبعیض‌آمیز انجام پذیرفته و همچنین اثبات این واقعیت که قصدی خاص در انجام تبعیض‌آمیز آن فعل یا ترک فعل وجود داشته است. در عوض قتل برخلاف آزار و اذیت مستلزم اثبات این واقعیت است که متهم موجب قتل یک فرد یا بیش‌تر شده، بدون آن که لازم باشد تبعیض‌آمیز بودن فعل یا ترک فعل وی یا قصد خاص اقدام تبعیض‌آمیز وی به اثبات برسد. پس تجمیع محکومیت‌ها به‌خاطر اقدامی واحد برای این جرائم در چارچوب ماده ۵ اساسنامه امکان‌پذیر است»^{۴۲}.

فصل دوم) اعمال قانون اخص، قاعده خاص بودن یک طرفه

به‌عنوان یک اصل پذیرفته‌شده در حقوق جزا، هنگامی که تنها یکی از مواد قانونی متعارض دارای رکنی اضافی نسبت به دیگری باشد، اخص تلقی شده و برطبق قاعده اجرای قانون اخص

آسیب جدی به تمامیت جسمانی وی را با علم به این که چنین آسیبی می‌توانسته به مرگ وی انجامد داشته باشند، صرف نظر از این که مرگ قربانی از آن ناشی شده باشد یا نه.

41. Kordic

42. Arrêt Kordic, *supra* note 7, § 1041

بر رفتار متهم اعمال می‌گردد. این راه‌حل که در همه نظام‌های بزرگ حقوقی مورد شناسایی و پذیرش قرار گرفته، اینک بخشی از حقوق بین‌الملل کیفری نیز تلقی می‌گردد.^{۴۳} در حقوق فرانسه چنین وضعیتی به اعمال «قاعده ادغام»^{۴۴} منتهی می‌شود، چرا که یکی از توصیف‌های کیفری در دیگری جذب می‌شود. و در حقوق کامن‌لا قاعده «شمول جرم خفیف‌تر در جرم شدیدتر» بر این وضعیت اعمال می‌گردد. راجع به جرائم بین‌المللی نیز از آنجا که خاص بودن تنها در یکی از مواد قانونی قابل اعمال موجود است، راه‌حل تجمیع محکومیت‌ها که قبلاً توضیح داده شد دیگر موضوعیت پیدا نمی‌کند. شعبه استیناف در این باره این‌گونه اظهار نظر کرده است:

«برطبق قاعده اجرای قانون اخص، جرمی چون قتل به‌خاطر برخوردار شدن از رکنی اضافی، مثلاً قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه نژادی، واجد وصف اخص یعنی ژنوسید می‌گردد. بنابراین، وجود یک رکن اضافی باعث می‌شود که تنها ممنوعیت اخص (ژنوسید) در نظر گرفته شود و در نتیجه، جرم اخص و جرم خاص (ژنوسید و قتل) با هم جمع نمی‌شوند».^{۴۵}

دلیل این است که جرم اخص جرم خاص را نیز دربرمی‌گیرد و ارتکاب اولی بدان معنا است که دومی نیز ارتکاب یافته است.^{۴۶} بدین شکل، جرم خاص درحالی‌که استقلال و هویت خود را کاملاً از دست می‌دهد تنها بخشی از ارکان تشکیل‌دهنده جرم اخص تلقی می‌گردد. در نتیجه، جمع دو توصیف حقوقی که بین آن دو رابطه اخص - خاص وجود دارد به معنای مجازات دوباره یک عمل و قانوناً ممنوع است. به همین دلیل شعبه استیناف در رأی سلیبیسی تجمیع محکومیت‌های مبتنی بر ماده ۲ (نقض فاحش چهارمین کنوانسیون ژنو) و ماده ۳ (نقض قوانین و عرف‌های جنگی ماده ۳ مشترک) اساسنامه را رد کرد. در این قضیه، متهمین به ارتکاب جرائمی از قبیل قتل، شکنجه و رفتار غیرانسانی برطبق مواد قانونی مذکور محکوم شده بودند. دادگاه اعلام کرد که ماده ۲ اخص از ماده ۳ است، چرا که اولی جرائمی را شامل می‌شود که فقط بر ضد اشخاص و اموال مورد حمایت کنوانسیون ژنو ارتکاب می‌یابند، درحالی‌که دومی قابل اعمال بر جرائمی است که بر ضد تمام افرادی که در درگیری‌ها مشارکت نکرده‌اند، ارتکاب می‌یابند.^{۴۷} دادگاه نتیجه می‌گیرد که «دایره اعمال ماده ۳ وسیع‌تر از تدابیر کنوانسیون چهارم

43. V. Carl-Friedrich Stuckenberg, "Multiplicity of Offences : Concurus Delictorum", *supra* note 3, p. 588.

44. برطبق تعریف ارائه شده در رأی کوپرسکی، اصل ادغام بدان معنا است که «وقتی جرم شدیدتر تمام شرایط تحقق جرم ضعیف‌تر را نیز دارا باشد، محکوم کردن متهم به ارتکاب جرم شدیدتر، تمام جنبه‌های کیفری رفتار مجرمانه را در برمی‌گیرد».

45. Arrêt Kupreski, *supra* note 6, § 664.

46. Arrêt Krstic, *supra* note 7, § 218.

47. Arrêt Celebici, *supra* note 8, § 414-415.

مندرج در ماده ۲ است، زیرا مورد اخیر وصف اشخاص مورد حمایت را در موارد کاملاً محدود و مشخص به افراد اعطا می‌کند و برای مثال آن را فقط شامل فرد حاضر در سرزمین تحت کنترل قدرت اشغال‌گر می‌داند و یا بیماران و مجروحان را از شمول آن استثنا می‌کند. پس اگر وضعیت افراد مورد حمایت در مفهوم ماده ۲ به معنای عدم مشارکت مستقیم در درگیری‌های مسلحانه است، دارای الزاماتی اضافی است. به همین خاطر ماده ۲ اخص از ماده ۳ مشترک است.^{۴۸} شعبه استیناف نتیجه‌گیری خود را این‌گونه توضیح می‌دهد که «تعریف جرائم پیش‌بینی شده در ماده ۴۹۲ برخلاف جرائم مندرج در ماده ۳^{۵۰} دارای رکنی کاملاً متفاوت است: این ضرورت که قربانی باید یک فرد مورد حمایت باشد. این ضرورت اثبات واقعیتی را لازم می‌داند که ارکان ماده ۳ آن را لازم نمی‌دانند، زیرا تعریف فرد مورد حمایت شامل افرادی نیز می‌گردد که مستقیماً در درگیری‌ها مشارکت نمی‌کنند. این در حالی است که تعریف جرائم مندرج در ماده ۳ دارای رکنی نیست که اثبات واقعیتی را لازم بداند که ماده ۲ لازم نمی‌داند. در نتیجه، چون قاعده اول [خاص بودن متقابل] محقق نمی‌شود، باید دومین قاعده [خاص بودن یک طرفه] را اعمال کنیم. جرائم مندرج در ماده ۲ دارای رکن تشکیل‌دهنده اضافی بوده، به لحاظ خاص بودن بر رفتار مجرمانه مورد بحث اعمال، محکومیت اعلام شده بر مبنای ماده ۲ تنفیذ و محکومیت اعلام شده بر مبنای ماده ۳ لغو می‌گردد».^{۵۱}

راجع به جرائم اولیه مندرج در تعریف هریک از جرائم بین‌المللی نیز به همین ترتیب اقدام می‌شود. به این دلیل شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی در قضیه گالیچ^{۵۲} از اعلام دو محکومیت کیفری، یکی به‌خاطر جرم «ایجاد وحشت»^{۵۳} و دیگری به‌خاطر «حمله به غیرنظامیان»^{۵۵}

48. *Ibid.* § 414-420.

49. جرائم اولیه مورد بحث و مذکور در ماده ۲ اساسنامه عبارت بود از: «قتل عمد»، «وارد کردن آسیب‌های عمده بر جسم و سلامتی قربانی»، «شکجه» و «رفتارهای غیر انسانی».

50. جرائم اولیه مورد بحث و مذکور در ماده ۳ اساسنامه عبارتند از: «قتل»، «رفتارهای غیر انسانی» و «شکجه».

51. Arrêt Celebici, *supra* note 8, § 422-426.

52. Galic

53. Terrorisation

54. در این قضیه، جرم «ایجاد وحشت» این‌گونه تعریف شده است: «(۱) اقدامات خشونت‌بار ارتكابی علیه جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی که مستقیماً در درگیری‌ها مشارکت نکرده‌اند و منجر به مرگ یا آسیب‌های جدی بر تمامیت جسمی یا سلامت آن‌ها شود؛ (۲) مرتکب عامدانه چنین اقداماتی را علیه جمعیت غیرنظامی که مستقیماً در درگیری‌ها شرکت نکرده‌اند صورت داده باشد؛ (۳) عمل مجرمانه با هدف اصلی گسترش وحشت در میان جمعیت غیرنظامیان ارتكاب یافته باشد».

55. در این قضیه، جرم «حمله به غیرنظامیان» این‌گونه تعریف شده است: «(۱) اقدامات خشونت‌بار ارتكابی علیه جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی که مستقیماً در درگیری‌ها مشارکت نکرده‌اند و منجر به مرگ یا آسیب‌های جدی بر تمامیت جسمی یا سلامت آن‌ها شود؛ (۲) مرتکب عامدانه چنین اقداماتی را علیه جمعیت غیرنظامی که مستقیماً در درگیری‌ها شرکت نکرده‌اند صورت داده باشد». رجوع کنید به:

Ibid., § 161.

هر دو بر مبنای ماده ۳ اساسنامه (نقص قواعد و عرف‌های جنگی) خودداری کرد. از نظر این شعبه، ارکان تشکیل‌دهنده هر دو جرم یکی هستند، جز این که اولی دارای یک رکن کاملاً متفاوت است و آن، هدف اصلی جرم، یعنی اشاعه ترس و وحشت است. بنابراین، جرم ایجاد وحشت نسبت به جرم حمله به نظامیان اخص است. در نتیجه از آن جا که تمام شرایط [اعمال قاعده خاص بودن یک طرفه] جمع شده‌اند، محکومیت کیفری اعلام نمی‌شود مگر برای جرم ایجاد وحشت.^{۵۶}

بخش دوم: اهمیت تجمیع محکومیت‌های کیفری فصل اول) نکوهش بیش‌تر رفتار مجرمانه

بحث راجع به تجمیع محکومیت‌های کیفری به هیچ وجه یک بحث صرفاً نظری نیست. تجمیع محکومیت‌ها آثار خود را در جنبه‌های متفاوت تعقیب کیفری نشان می‌دهد. در نگاه اول، چنین اقدامی با برخی از اصول اولیه حقوق کیفری، از جمله اصل انصاف،^{۵۷} قضیه محکومٌ بها مختومه و اصل ممنوع بودن تعقیب دوباره به‌خاطر یک رفتار^{۵۸} تعارض پیدا می‌کند. بدین خاطر قاضی بنونا و هانت در نظر جداگانه و مخالف خود در رأی سلیبیسی آورده‌اند که «پذیرفتن تجمیع محکومیت‌ها یا به حقوق متهم آسیب می‌زند یا آن‌ها را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد». این قضات آثار چنین محکومیتی را این‌گونه برمی‌شمارند: تشدید مجازات و سرزنش اجتماعی متهم، ممانعت از آزادی زود هنگام^{۵۹} متهم، یا حتی قرار دادن وی در معرض مجازات سنگین‌تر و اعمال قواعد راجع به تعدد جرائم در صورت وجود محکومیت قبلی از سایر دادگاه‌ها.^{۶۰} شعبه استیناف با قبول بخشی از این ایرادات در رأی کرسٹیج^{۶۱} و کوناراک^{۶۲} بر لزوم احتیاط در اعمال معیار سلیبیسی تأکید می‌کند.

تا جایی که به اهداف کاربست راه‌حل سلیبیسی مربوط است، شعبه استیناف در رأی کوردیج توضیح می‌دهد که «اعمال معیار محکومیت‌های متعدد به‌خاطر یک عمل برای رسیدن به دو هدف انجام می‌گیرد؛ اطمینان از آن که متهم تنها به ارتکاب جرائم متفاوت محکوم شده است و این که محکومیت‌های اعلام شده رفتار مجرمانه متهم را به‌خوبی نشان می‌دهند».^{۶۳} بنابراین با

56. *Ibid.* § 162.

57. Arrêt Celebici, *supra* note 8, § 412.

58. Arrêt Akayesu, *supra* note 4, § 462.

59. Liberation anticipée

60. Bennouna et Hunt, *supra* note 18, § 23.

61. Arrêt Krstic, *supra* note 7, § 217.

62. Arrêt Kunarac, *supra* note 7, § 169.

63. Arrêt Kordic, *supra* note 7, § 1033.

اعمال قاعده سلیبسی یک دادگاه می‌تواند اطمینان حاصل کند که متهم به ارتکاب جرمی محکوم شده که کاملاً از همدیگر متمایزند. به گفته قاضی بنونا و هانت: «هدف از اعمال این معیار، تعیین و تشخیص این امر است که آیا رفتار متهم به‌واقع به ارتکاب چندین جرم منجر شده است یا نه؟»^{۶۴} بنابراین ضرورت اطمینان از این‌که چندین جرم متفاوت از هم ارتکاب یافته است، به‌عنوان یک پیش‌شرط در اجرای اصل تجمیع محکومیت‌ها عمل می‌کند و در نتیجه هنگامی که اقدام به جرم اول به‌منظور مقدمه‌چینی برای ارتکاب جرم دوم صورت گرفته باشد (فرع بودن یک جرم نسبت به دیگری)، یا هنگامی که یک جرم در جرم دیگری کاملاً تحلیل شود (اصل ادغام در حقوق فرانسه که توضیح داده شد)، جایی برای اجرای اصل تجمیع محکومیت‌ها نیست. به همین خاطر شعبه استیناف دادگاه یوگسلاوی بر این نکته تأکید می‌کند که «... فقط جرائم متفاوت می‌توانند تجمیع محکومیت‌ها را توجیه کنند».^{۶۵}

از طرف دیگر «محکومیت چندگانه این امکان را فراهم می‌آورد تا مسئولیت متهم به‌صورت تمام و کمال مورد توجه قرار گیرد یا تابلویی کامل از رفتار مجرمانه وی ترسیم گردد».^{۶۶} همان‌طور که قاضی خان^{۶۷} در نظر مخالف خود در رأی *کایشما* خاطر نشان ساخته است «تجمیع اتهامات و محکومیت‌ها در این‌که متهم حساب کامل رفتار مجرمانه خود را پس دهد تأثیرگذار است ... هنگامی که رفتار مجرمانه در چارچوب یک حمله گسترده و سازمان‌یافته صورت پذیرفته است، محکوم کردن متهم تنها به ارتکاب جنایت ژنوسید مانع از آن می‌شود که وی حساب کامل رفتار خود را پس دهد. پس اگر اکثریت قضات [در رأی حاضر] به این نتیجه می‌رسیدند که تنها جرم قلع و قمع^{۶۸} ارتکاب یافته است، نه قلع و قمع به اضافه جنایت ژنوسید، چنین حکمی تمام جنبه‌های رفتار متهم را آن‌طور که باید و شاید در نظر نمی‌گرفت».^{۶۹} در همین راستا، قاضی شهاب‌الدین این‌گونه استدلال می‌کند: «هنگامی که رفتاری واحد، جنبه‌های مختلف به خود می‌گیرد مشکلاتی بروز می‌کند. برخی جنبه‌ها تنها به یک جرم ارتباط پیدا می‌کنند و برخی دیگر به جرمی دیگر. برخی جنبه‌ها نیز می‌توانند هم‌زمان به دو جرم یا حتی بیشتر ارتباط پیدا کنند. برای اینکه رفتار مجرمانه متهم کاملاً به حساب آورده شود ممکن است لازم باشد وی به ارتکاب همه آن جرائم محکوم شود».^{۷۰}

64. Bennouna et Hunt, *supra* note 18, § 26.

65. Arrêt Celebici, *supra* note 8, § 412

66. Arrêt Kunarac, *supra* note 7, § 169.

67. Khan

68. Extermination

69. Opinion individuelle et dissidente du juge Tafazzal Hossain Khan jointe à l'arrêt Kayishema et Rutaganda, § 33.

70. Opinion partiellement dissidente du juge Shahabuddeen jointe à l'arrêt Jelusic, § 34.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که آثار رسیدگی قضایی هنگامی که متهم برای ارتکاب دو جرم یا بیش تر به خاطر عملی واحد مورد تعقیب قرار می‌گیرد، از جرمی به جرم دیگر سرایت نمی‌کند. بنابراین ممکن است در پایان محاکمه، متهم به واسطه ارتکاب یکی از جرائم محکوم و در مورد دیگری تبرئه شود. به عبارت دیگر، تحقق شرایط محکومیت نسبت به یکی از جرائم خود به خود به معنای لزوم محکومیت متهم برای جرم دیگر نیست. در بخشی از رأی بلوک برگر در این باره آمده است: یک رفتار ممکن است از لحاظ دو ماده قانونی جرم محسوب گردد. و اگر هر کدام از آن مواد اثبات واقعیتی را لازم بدانند که دیگری لازم نمی‌داند، محکومیت یا تبرئه برطبق هر کدام از آنها، متهم را از تعقیب و مجازات برطبق دیگری معاف نمی‌کند.^{۷۱} همچنین ممکن است بعد از اعلام محکومیت‌های چندگانه، یکی از آنها به هر دلیل مشمول عفو واقع شود. در حقوق فرانسه، رویه قضایی پذیرفته است که در صورت مشمول عفو تنها به یکی از محکومیت‌های اعلام شده به خاطر یک رفتار، متهم از لحاظ جرم مربوط مشمول عفو واقع می‌شود، ولی محکومیت وی در سابقه قضایی درج گردیده، در صورت لزوم و به خاطر سایر جرائم که مشمول عفو نشده‌اند اجرا می‌گردد.^{۷۲}

فصل دوم) تأثیر تجمیع محکومیت‌ها بر مسئله نحوه اجرای مجازات

مجازات^{۷۳} متهم به هنگامی که به خاطر یک عمل به ارتکاب جرائم متعدد محکوم می‌شود برطبق ماده ۸۷ بند «ج» از قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دیوان یوگسلاوی، مواد ۸۷ بند «ج» و ۱۰۱ بند «ج» از قواعد آیین دادرسی و ادله اثبات دیوان رواندا و با در نظر گرفتن اصول اعلام شده در رویه قضایی محاکم مذکور^{۷۴} تعیین می‌شود. برطبق این مواد:

«هنگامی که شعبه بدوی، متهم را به ارتکاب یک یا چند جرم مندرج در کیفرخواست محکوم کرد، مجازات هر کدام از محکومیت‌ها را اعلام و تعیین می‌کند که آیا آنها باید همزمان اجرا شوند یا یکی پس از دیگری، مگر آن که از اختیار خود برای اعلام مجازاتی واحد برای مجموع رفتارهای مجرمانه متهم استفاده کند».

71. Blockburger c/ USA, 284 U.S. 299 (1932).

72. Bernard Bouloc, Droit pénal général, Dalloz, 2005, p. 543.

۷۳. لازم به یادآوری است که برطبق ماده ۲۴ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق و ماده ۲۳ اساسنامه دیوان رواندا، زندان تنها مجازاتی است که افراد محکوم به ارتکاب جنایات بین‌المللی تحمل خواهند کرد.

۷۴. ر.ک:

Jan Christoph Nemitz, Sentencing in the Jurisprudence of International Tribunals for the Former Yuogoslavi and Rwanda, in Fischer, C. Kress and S.R. Luder (eds), International and National Prosecution of Crime under International Law, Current Developments, *supra* note 3, p. 605.

بنابراین، قاضی در اعلام مجازات‌های جمع شده، به شکل یک‌جا یا کلی، اختیار کامل دارد. با این حال رویه محاکم ویژه تمایل به تعیین یک مجازات برای هریک از محکومیت‌های اعلام شده و دستور به اجرای همزمان آن‌ها را نشان می‌دهد.^{۷۵} بدین ترتیب، مجازات‌ها در همدیگر ادغام می‌شوند، به طوری که در نهایت یکی از آن‌ها، که در واقع اشد آن‌ها است، اجرا می‌گردد. برای مثال، اگر فردی به خاطر ارتکاب جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی محکوم شده و برای اولی ۱۰ سال و برای دومی ۸ سال حبس تعیین شده باشد، با دستور به اجرای همزمان آن‌ها، مدت حضور متهم در زندان برای هر دو جرم همزمان محسوب شده، در نتیجه فقط ۱۰ سال در زندان خواهد بود.

با این حال، قاضی در اعمال اختیار خود باید مجموعه رفتار مجرمانه متهم و به‌ویژه شدت جرم ارتكابی را در نظر بگیرد، به طوری که مجازات اعلامی منصفانه و مناسب بود^{۷۶} «قاعده کلیت»^{۷۷} رعایت شده باشد. در هر حال، هدف از اعلام مجازات، برطبق نظر شعبه استیناف در رأی سلیبسی، قبل از هر چیز «تضمین این امر است که مجازات نهایی و یا کلی، مجموعه رفتارهای مجرمانه متهم و مسئولیت وی را در نظر گرفته است. زمانی این هدف تأمین می‌شود که فقط یک مجازات برای مجموعه جرائم اعلام شود یا چندین مجازات که باید همزمان یا پی‌درپی اجرا شوند یا هر دو آن‌ها. تصمیم‌گیری در این مورد بر عهده شعبه بدوی است».^{۷۸} به این دلیل همین شعبه، استدلال فرجام‌خواه را مبنی بر این که شعبه بدوی در اجرای ماده ۱۰۱ بند «ج» که آن زمان لازم‌الاجرا بود و باید برای هر کدام از محکومیت‌ها مجازاتی جداگانه تعیین می‌کرد رد کرد.^{۷۹} از نظر شعبه استیناف، ماده مذکور صراحتاً شعبه بدوی را موظف نمی‌کند تا برای محکومیت‌های متعدد، مجازات‌های متعدد اعلام کند، بلکه تنها دادگاه بدوی موظف

75. Arrêt Kupreski, *supra note* 6 § 866, Celebici, jugement, 16 nov. 1998, § 1286; aff. Tadic, jugement relatif à la sentence, chambre de première instance II, 14 juill. 1997, § 75; Le Procureur c/ Tadic, n° IT-94-1-Tbis-R117, jugement relatif à la sentence, chambre de première instance II, 11 nov. 1999 (Ile jugement relatif à la sentence), p. 18; aff. Furundzija, jugement, 10 déc. 1998, § 292 à 296 et p. 110 (Dispositif).

76. Arrêt Celebici, *supra note* 8, § 428.

77. اصل کلیت (principe de totalité) ایجاب می‌کند که به هنگام اعلام چندین مجازات، بعد از این که هر کدام از آن‌ها در رابطه با جرم مربوط دقیقاً محاسبه و برطبق اصل تجمیع با یکدیگر جمع گردیدند، مجازات کلی بررسی و «متناسب و منصفانه بودن» آن مشخص شود.

Arrêt Celebici, *supra note* 8, n° 633.

78. *Ibid*, § 430.

79. قبل از اصلاح اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق، قواعد مربوط به تعیین مجازات‌ها در صورت تعدد محکومیت‌ها همانند قواعد فعلی دادگاه رواندا در دو ماده ۷۸ و ۱۰۱ بیان شده بود.

می‌سازد تا تعیین کند در صورت اعلام چندین مجازات، باید آن‌ها همزمان اجرا شوند یا یکی پس از دیگری. هدف این ماده، روشن ساختن نحوه اجرای مجازات است.^{۸۰}

۲. تأثیر محکومیت چندگانه در تعیین میزان مجازات

در قضیه سلیمیسی این سؤال مطرح گردید که آیا به هنگام کاهش تعداد محکومیت‌های اعلام‌شده توسط شعبه بدوی در اثر پذیرش فرجام نزد شعبه استیناف، میزان مجازات نیز باید کاهش یابد؟ دیدیم که شعبه استیناف در همین قضیه، تجمیع محکومیت‌های اعلام شده برطبق ماده ۲ (نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو) و ماده ۳ (نقص قواعد و عرف‌های جنگی) را نپذیرفت و در نهایت اعلام مجرمیت بر مبنای ماده ۳ را لغو این شعبه بعد از آن، شعبه بدوی دیگری را مأمور کرد تا بازبینی احتمالی در مجازات اعلام شده را مورد بررسی قرار دهد تا لغو محکومیت بر مبنای ماده ۳ مورد ملاحظه قرار گیرد. در نزد شعبه بدوی جدید، وکیل متهم این استدلال را مطرح کرد که در نتیجه تبرئه متهم از ارتکاب برخی از جرائم توسط شعبه استیناف، مجازات وی نیز باید کاهش یابد.^{۸۱} اما دادستان بر این عقیده بود که این واقعیت، بازبینی مجازات اعلام شده را توجیه نمی‌کند، چرا که محکومیت‌های تأیید شده و محکومیت‌های لغو شده هر دو بر رفتارهای مجرمانه یکسان مبتنی بودند و شعبه بدوی اولیه بر اجرای همزمان مجازات رأی داده بود.^{۸۲} همچنین دادستان استدلال کرد که اثر رأی شعبه استیناف از بین بردن وصف نکوهش‌کنندگی تجمیع محکومیت‌ها و تأثیر منفی آن بر آزادی آتی متهم، در صورت وجود چنین اثری است؛ درحالی‌که «عمل مجرمانه همان است که بود».^{۸۳} شعبه بدوی جدید با پذیرش استدلال‌های دادستان و رد ادعاهای وکیل متهم اعلام کرد: «... از مجموعه رفتارهای مجرمانه متهمان بر اثر لغو تجمیع محکومیت‌ها کاسته نشده است و شعبه بدوی اولیه با در نظر گرفتن این رفتارها به تعیین مجازات‌هایی اقدام کرده که در صورت عدم تجمیع محکومیت‌ها نیز می‌توانستند همان باشند. بنابراین، مجازات‌های اولیه به این دلیل تغییر پیدا نمی‌کنند».^{۸۴} نتیجه‌گیری شعبه بدوی جدید در رأی بعدی شعبه استیناف در ۳ آوریل ۲۰۰۳ راجع به مجازات‌ها مورد تأیید قرار گرفت.^{۸۵}

80. Arrêt Kunarac, *supra note 7*, § 342.

81. Le procureur c/ Celebici, chambre de première instance, l'arrêt relatif à la sentence, 9 oct. 2001, § 39-41.

82. *Ibid.* § 36.

83. *Ibid.*

84. *Ibid.* § 42.

85. Le procureur c/ Celebici, chambre d'appel, l'arrêt relative à la sentence, 8 avr. 2003, n° IT-96-21-A bis, § 27.

همین طور در رأی کرسٹیج، در مرحله استیناف، دادستان به رأی شعبه بدوی به خاطر اعلام این مطلب که «محکومیت به ارتکاب جرم قلع و قمع^{۸۶} و آزار و اذیت نمی‌تواند با محکومیت به ارتکاب ژنوسید جمع شوند» اعتراض کرد.^{۸۷} در عوض، وکیل متهم استدلال کرد که درخواست دادستان باید رد شود، چرا که وی حتی در صورت پذیرش فرجام خود، خواستار افزایش مجازات نشده است. شعبه استیناف با درخواست دادستان موافقت و اعلام کرد که تجمیع محکومیت‌ها برای جرائم مذکور ممکن است، ولی «این رأی تأثیری در مجازات قبلاً اعلام شده ندارد».^{۸۸}

بخش سوم: ماهیت معیار سلیبسی: آیا می‌توان این معیار را یک اصل کلی حقوق بین‌الملل کیفری قلمداد کرد؟

ابتدا باید یادآوری کرد که در سیستم مستقیم و مختلط اجرای حقوق بین‌الملل کیفری،^{۸۹} قواعد راجع به عناصر مسئولیت کیفری، از جمله محکومیت‌های متعدد، جزء اصول تشکیل‌دهنده «بخش عام» حقوق بین‌الملل کیفری به حساب می‌آیند و منبع آن‌ها «اصول کلی حقوقی» در مفهوم بند «ج» ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌الملل دادگستری، یعنی اصول پذیرفته شده توسط ملل متحد است.^{۹۰} بنابراین، از آن‌جا که هسته اصلی راه‌حل ارائه شده در رأی سلیبسی، معیار «ارکان تشکیل‌دهنده متفاوت» است، یک بررسی تطبیقی در حقوق و رویه قضایی نظام‌های عمده حقوقی دنیا از جمله سیستم کامن‌لا و حقوق رومی - ژرمنی راجع به تجمیع محکومیت‌ها بر مبنای این معیار ضروری است. بعد از آن که پذیرش چنین راه‌حلی در این نظام‌ها اثبات گردید باید سابقه اعمال این راه‌حل بر جرائم بین‌الملل نیز مورد بررسی قرار گیرد.

86. extermination

87. Arrêt Krstic, *supra* note 12, § 216.

88. *Ibid.* § 217.

۸۹. هنگامی که از سیستم مستقیم اجرای حقوق بین‌المللی کیفری صحبت می‌شود منظور وضعیتی است که در آن، تمام اقدامات راجع به تعقیب، محاکمه و مجازات جرائم بین‌المللی توسط یک دادگاه بین‌المللی انجام می‌پذیرد؛ درحالی که در سیستم مختلط، دادگاه بین‌المللی در انجام بخشی از فعالیت‌های قضایی خود به همکاری کشورها در دستگیری متهمان، اجرای آرا و ... متکی است.

۹۰. رک:

Cherif Bassiouni, Introduction au droit pénal international, Bruylant, 2002, p. 31; Ferrando Mantovani, «The General Principles of International Criminal Law : The Viewpoint of a National Criminal Lawyer?», Journal of International Criminal Justice 1, (2003), p. 27.

فصل اول) تجمیع محکومیت بر مبنای معیار «ارکان تشکیل‌دهنده متفاوت» در حقوق داخلی

۱. سیستم حقوقی رومی - ژرمنی: مثال حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، همانند حقوق برخی دیگر از کشورهای گروه حقوق رومی - ژرمنی، هنگامی که یک رفتار مادی بتواند توصیف‌های کیفری متعددی را به خود بگیرد، تعدد معنوی جرم مطرح می‌گردد. تعدد معنوی جرم از این لحاظ از تعدد واقعی جرم متمایز می‌گردد که این آخری بر تعدد رفتارهای مجرمانه مبتنی است. به عبارت دیگر برخلاف تعدد معنوی، تعدد واقعی جرم از چندین اقدام مجرمانه متمایز ناشی می‌گردد.^{۹۱}

با این توضیح، در حقوق فرانسه سؤال این است که آیا تعارض عناوین مجرمانه در حالت تعدد معنوی جرم می‌تواند موجبی برای تجمیع محکومیت‌های کیفری گردد. از نظر شعبه کیفری دیوان عالی فرانسه، «رفتاری که توصیف‌های کیفری متعدد به خود می‌گیرد نمی‌تواند به اعلام محکومیت‌های متعدد منجر گردد»،^{۹۲} مگر در صورت تعدد قربانی‌ها.^{۹۳} با این حال، اگر جرائمی که همزمان و بر مبنای رفتاری واحد ارتکاب یافته‌اند دارای ارکان تشکیل‌دهنده متفاوت باشند و یا منافع اجتماعی متفاوتی را مورد حمایت قرار دهند، راه‌حل فوق کنار گذاشته می‌شود. بدین خاطر دیوان عالی فرانسه در رأی بن حادی^{۹۴} اعلام کرد که «پرتاب یک نارنجک به یک کافه به قصد تخریب ساختمان و کشتن افرادی که در آنجا حضور دارند باید همزمان جرم اقدام به تخریب ساختمان کافه با وسیله انفجاری و همچنین اقدام به قتل تلقی گردد: در نتیجه، اعلام محکومیت دوگانه امکان‌پذیر است و از آنجا که اصل ممنوعیت تجمیع مجازات‌ها رعایت شده، هیچ قاعده حقوقی نقص نشده است». دیوان استدلال می‌کند که «در این قضیه، مسأله ارتکاب یک جرم نیست، بلکه دو جرمی که با قصدهای مجرمانه کاملاً متفاوت از هم متمایز می‌شوند به یک طریق ارتکاب یافته‌اند».^{۹۵} همچنین در قضیه‌ای دیگر، همین دیوان رأی داد که «دو عنوان مجرمانه معاونت در کسب غیرقانونی منفعت و غصب شغل، به‌خاطر یک رفتار قابل تحقق هستند، چرا که هرکدام از آنها منافع اجتماعی متفاوتی را حمایت می‌کند و از ارکان تشکیل‌دهنده متفاوتی برخوردار است».^{۹۶}

91. Philippe Conte, Patrick Maistre du Chambon, Droit pénal général, Armand Colin, 6e éd., 2002, p. 128.

92. Crim. 3 mars 1960, B., n° 138; 22 nov. 1983, B., n° 308; 16 mai 1984, B., n° 181.

93. Frédéric Desporte, Francis Le Gunehec, Droit pénal général, Economica, 2005, n° 302

94. Ben Haddadi.

95. Crim. 3 mars 1960, B., n° 138.

96. Crim. 21 févr. 2001, B., n° 46.

در هر حال، در برخورد با تعارض عناوین مجرمانه، دادگاه فرانسوی به شرط رعایت قاعده ممنوع بودن جمع مجازات‌ها مجاز به تجمیع محکومیت‌های کیفری است. دلیل قائل شدن این شرط آن است که همان‌طور که راجع به اعلام مجازات‌ها در نزد محاکم کیفری ویژه گفته شد، تجمیع عناوین مجرمانه یک مسأله و جمع مجازات‌ها مسأله دیگری است.^{۹۷} از طرف دیگر، ممنوعیت جمع مجازات‌ها در حقوق فرانسه از ارزش قاعده‌ای برابر با قواعد قانون اساسی برخوردار است.^{۹۸} در نتیجه به هنگام تجمیع محکومیت‌ها دادگاه مجازات شدیدتر را از میان مجازات‌های جرائمی که همزمان قابل اعمال هستند اعلام می‌کند.^{۹۹}

۲. سیستم حقوقی ایالات متحده آمریکا

سیستم کامن‌لا تأسیس حقوقی کاملاً مشابهی با آنچه در حقوق فرانسه به‌عنوان تعدد معنوی جرم شناخته می‌شود، ندارد. در حقوق آمریکا اعلام محکومیت‌های متعدد به‌خاطر عملی واحد ممکن است در تعارض با قاعده «خطر مضاعف» باشد که در اصلحیه پنجم قانون اساسی وارد شده و برطبق آن: «هیچ کس نباید به‌خاطر عملی واحد، همزمان در معرض خطر اعدام و قطع عضو قرار گیرد».^{۱۰۰} برطبق تفسیر دیوان عالی ایالات متحده، این شرط هم مانع از آن می‌شود که متهم به‌خاطر جرمی که قبلاً به آن محکوم یا از ارتکاب آن تبرئه شده است تحت تعقیب مجدد قرار گیرد و هم مانع از اعلام مجازات‌های متعدد به‌خاطر ارتکاب یک جرم می‌شود.^{۱۰۱} پس این قاعده تنها، تعقیب و محکومیت دوباره یک فرد به‌خاطر عملی واحد و همچنین تحمیل چندین مجازات به‌خاطر ارتکاب یک جرم را ممنوع می‌کند، نه اعلام همزمان چندین محکومیت به‌خاطر ارتکاب یک عمل مجرمانه را.^{۱۰۲} به این خاطر است که در قضیه اهایو^{۱۰۳} دیوان عالی این‌گونه نتیجه می‌گیرد که گرچه قاعده مذکور، تجمیع مجازات‌ها برای برخی جرائم را ممنوع

97. Claude Lombois, *Droit pénal général*, Hachette, 1994, p. 51.

98. Frédéric Desporte, Francis Le Gunehec, *supra note* 69, n° 301.

99. *Crim.* 30 oct. 1997, B., n° 364. Philippe Conte, Patrick Maistre du Chambon, *supra note* 67, p. 132.

۱۰۰. بدیهی است اشاره به قتل و قطع عضو از باب مثل و کنایه است. اعمال کلاسیک این قاعده در قضیه (Ex parte Nielsen, 131 U.S. 176 (1889) اتفاق افتاد. در سال ۱۸۸۰، کنگره آمریکا قانون ممنوعیت چند همسری در اتاها را تصویب کرد. برطبق یکی از بندهای این قانون، زندگی با دو زن برای یک مرد ممنوع بود و بندی دیگر زنا را ممنوع کرده بود. هانس نیلسن که با دو زن خود زندگی می‌کرد برطبق هر دو بند مذکور، محاکمه و محکوم شد. دیوان عالی رأی دادگاه بدوی را نقض و اعلام کرد که « محکومیت به ارتکاب جرم اول مانع از آن می‌شود که متهم به ارتکاب زنا نیز محکوم شود» دیوان عالی آمریکا رأی خود را این‌گونه توجیه می‌کند که «وقتی فردی به ارتکاب جرمی با اجزای متعدد محکوم می‌شود، نمی‌تواند یک‌بار دیگر برای یکی از آن اجزا محاکمه گردد، چراکه در این صورت در معرض خطر گرفتاری دوباره برای جرمی واحد قرار خواهد گرفت».

101. U.S. c/ Halper, 490 U.S. 435, 440 (1989).

102. The Columbia Encyclopedia, 6th ed., 2004.

103. ohio

می‌کند، اما نمی‌تواند مانع از آن شود که متهم به دلیل ارتکاب چندین جرم، همزمان مورد مواخذه قرار گیرد.^{۱۰۴} در رأی بلوک برگر که ذکر آن گذشت و مورد استناد دیوان یوگسلاوی قرار گرفت، دیوان عالی معیار «ارکان [تشکیل‌دهنده] متفاوت» را به‌عنوان توجیهی برای نقض ممنوعیت «خطر مضاعف» در قضیه‌ای که متهم به دلیل نقض برخی مواد قانون هاریسون راجع به مواد مخدر، همزمان موضوع چندین محکومیت قرار گرفته بود، به کار برد.^{۱۰۵} متهم بر این باور بود که اتهامات سوم و دوم در واقع شامل یک جرم می‌شوند و بنابراین نباید بیش از یک مجازات اعلام شود.^{۱۰۶} دیوان اعلام کرد: «هنگامی که یک عمل یا یک رفتار، نقض دو ماده قانونی محسوب می‌شود، برای دانستن این که یک جرم واقع شده است یا دو جرم، باید دید آیا هر ماده قانونی، اثبات واقعی را لازم می‌داند که آن دیگری لازم نمی‌داند».^{۱۰۷}

اما راجع به مجازاتها، در صورت تجمیع محکومیت‌ها، قاضی تصمیم می‌گیرد که آنها به‌صورت یکی پس از دیگری اجرا شوند یا به‌طور همزمان. در این مورد دادگاههای امریکا موظفند «دستورالعمل‌های دولت فدرال راجع به مجازاتها» را مورد توجه قرار دهند.^{۱۰۸}

فصل دوم) سابقه اعمال اصل تجمیع محکومیت‌های کیفری به جرائم بین‌المللی

همانند شمار زیادی از اصول حقوق بین‌الملل کیفری، سابقه اعلام محکومیت‌های متعدد به‌خاطر عملی واحد را می‌توان در آراء صادره از دادگاه نورمبرگ جستجو نمود. این دادگاه که در ۸ اوت ۱۹۴۵ برطبق توافقنامه چهار جانبه لندن تشکیل گردید، وظیفه قضاوت و مجازات جنایت‌کاران جنگی عمده دول محور را برعهده داشت. برطبق ماده ۶ اساسنامه، این دادگاه برای رسیدگی به جرائم زیر صلاحیت داشت: (۱) جنایت علیه صلح (۲) جنایت جنگی (۳) جنایت علیه بشریت. دادستان دادگاه نورمبرگ در کیفرخواستی که به دادگاه ارائه نمود به جرائمی اشاره کرد که از نظر وی همزمان به‌عنوان جنایت جنگی و جنایات علیه بشریت قابل تعقیب و مجازات بودند. دادگاه در بخشی از رأی خود، پس از تشریح ارکان تشکیل‌دهنده جرائم تحت صلاحیت خود، اعلام کرد که «انتقال اجباری جمعیت غیرنظامی [همزمان] جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت

104. Ohio c/ Johnson, 467 U.S. 493 (1984) ; United States c/ Gaddis, 424 U.S. 544 (1976).

105. Blockberger v. the USA, 284 U.S. 299 (1932), p. 300

106. Ibid. 301, v. Elizabeth J. Wiet, "Witte v. United States : Double jeopardy and the United States sentencing guidelines",

Journal of Criminal Law and Criminology, Vol. 86, Issue 4, 1996, p. 1540.

107. Blockburger c/ the USA, supra note 79, p. 302.

۱۰۸. منظور قواعدی است که توسط کمیسیون مجازاتهای ایالات متحده در سال ۱۹۹۸ با عنوان « Guideline تعیین شده و هدف از آن یکپارچه کردن رویه‌های مربوط به تعیین مجازاتها در صورت محکومیت متهم به ارتکاب جرائم متعدد است.

محسوب می‌شود».^{۱۰۹} همین دادگاه در جای دیگری تأکید می‌کند که از زمان شروع درگیری‌ها اقداماتی که دارای وصف دوگانه جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی بودند در سطح وسیعی اتفاق افتاده‌اند».^{۱۱۰}

علاوه بر این، دادگاه نظامی ایالات متحده که برطبق قانون شماره ۱۰ شورای کنترل تشکیل شده بود، در رأی معروف به (Justice) این‌گونه رأی داد که «جنایات جنگی می‌توانند همچنین جنایات علیه بشریت محسوب شوند چرا که رفتارهای مجرمانه واحد می‌توانند همزمان در چارچوب دسته‌بندی هر دو جنایات مذکور قرار گیرند».^{۱۱۱}

رویکرد اتخاذی توسط دادگاه نورمبرگ توسط برخی محاکم داخلی نیز دنبال شد. رأی باری صادره از یک دادگاه فرانسوی از این جهت قابل اشاره است. باری، رئیس گشتاپو در لیون از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۴ در زمان اشغال فرانسه توسط آلمان نازی، برای نقشی که در اخراج و نابودی غیرنظامیان و مبارزان مقاومت ایفاء کرده بود، در سال ۱۹۸۷ به اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی مورد محاکمه قرار گرفت.^{۱۱۲} قضیه باری این امکان را برای دیوان عالی فرانسه فراهم آورد تا در چندین مورد بر امکان اینکه جنایات‌های علیه بشریت و جنایات جنگی می‌توانند همزمان ارتکاب یابند و اینکه عملی واحد می‌تواند توصیف‌های کیفی متفاوتی به خود گیرد، تأکید کند. برطبق اعلام این دادگاه «اعمال غیرانسانی و آزار و اذیت [ارتكابی توسط متهم] جنایت غیرقابل مرور زمان علیه بشریت محسوب می‌شوند، اگرچه آن‌ها می‌توانند همزمان به‌عنوان جنایت جنگی نیز مورد تعقیب قرار بگیرند».^{۱۱۳} دادگاه همچنین توضیح می‌دهد که «رفتارهایی که باری به‌خاطر آنها مورد محاکمه قرار می‌گیرد، درحالی‌که نقض قواعد و عرفهای جنگی محسوب می‌شوند، در چارچوب یک عملیات مجرمانه منظم انجام پذیرفته و اجرای سیاست خودسرانه اخراج مخالفان رژیم نازی بوده و از این جهت عنوان جنایت علیه بشریت نیز به خود می‌گیرند».^{۱۱۴}

بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که اولاً جمع عناوین مجرمانه رویه‌ای معمول و اصلی پذیرفته شده در نظام‌های حقوقی عمده دنیا است و ثانیاً محاکم زمانی دست به چنین اقدامی می‌زنند که

109. The Nurnberg (Nuremberg) Trial, 6 F.R.D. 69, p. 116-120, 126-131

110. Procès des grands criminels de guerre, Texte officiel en langue française, Nuremberg, Allemagne, 1947, p. 267-268. V. J. Graven, Les Crimes Contre l'Humanité, RCADI, 1950, vol. 57, p. 464.

111. Trial of Joseph Altstötter and Others, Law Reports, vol. VI, 1949, p. 79.

112. Crim. 20 déc. 1985, Bull. crim. n° 407; v. JDI 1986, n° 1, p. 127.

113. Crim. 20 déc. 1985, Bull. crim. n° 407.

114. *Ibid*, p. 1049.

هرکدام از مواد قانونی قابل اعمال دارای ارکان تشکیل‌دهنده متفاوتی نسبت به همدیگر باشند. با این حال راه‌حل ارائه شده در رأی سلیبسی در مقایسه با راه‌حل‌های موجود در سیستم‌های حقوق داخلی که به برخی از آنها اشاره شد کامل‌تر و دقیق‌تر است. اعمال راه‌حل سلیبسی در آراء بعدی هر دو دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا نیز نشان‌دهنده این مهم است که از نظر قضات این محاکم، ما با یک اصل کلی حقوق بین‌الملل کیفری مواجه هستیم که از پشتوانه یک رویه قضایی با ثبات نیز برخوردار است. دیوان رواندا در رأی موسما (Musema) با صراحت این مطلب را تأیید و اعلام کرد که «معیار سلیبسی راجع به محکومیت‌های متعدد اعلام یک اصل کلی و عینی است که دادگاه را قادر می‌سازد تا تصمیم گیرد که چه زمانی می‌تواند محکومیت‌های متعدد را به‌خاطر عملی واحد اعلام یا تنفیذ نماید».^{۱۱۵}

115. Arrêt Musema, *supra note* 21, § 363.